



Critique and Examination of the Kaysanite Origin Theory of Ahl-e Haqq

Ebrahim Bakhtiari ¹, Mahdi Farmanian ², Javad Lotfi ³*

Abstract: This research systematically and deeply investigates the doctrinal connections between the Kaysanite sect and the Ahl-e Haqq movement. Methodologically, the study is based on a critical content analysis of primary texts and a comparative examination of the views of Islamic theologians and sectarian scholars. Using a descriptive-analytical research approach and relying on first-hand theological, sectarian, and historical sources, this study seeks to answer the fundamental question: Does the claim of Ahl-e Haqq's influence by or schism from the Kaysanites have a solid scholarly and historical basis? To achieve this objective, the present research critically examines five key doctrinal aspects: The theory of divine incarnation (hulūl al-dhātī), The belief in the embodiment of angels, The doctrine of metempsychosis (tanāsukh al-rūh), The belief in triple imamate, The hermeneutical approach to worship. The findings indicate that, despite some superficial similarities, fundamental differences in theological foundations, historical development, organizational structure, and ritual practices between the two movements pose serious challenges to the claim of their interconnection.

Keywords: Kaysanites (Kaysāniyya), Ahl-e Haqq (Yarsanism), Divine Incarnation (Hulūl), Metempsychosis / Transmigration of the Soul (Tanāsukh), Embodiment of Angels (Tajassud-e Fereshtegān), Hermeneutical Interpretation of Worship (Ta'wīl-e 'Ibādāt)

Submitted: 2024/11/26

Received in revised form: 2025/1/30

Accepted: 2025/4/14

Published online: 2025/9/6

1. PhD student at Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (**Corresponding Author**).
ebrahimbakhtiaribaban@gmail.com

2. The full professor at the University of Religions and Islamic Denominations in Qom, Qom, Iran.
m.farmanian@chmail.ir

3. Assistant Professor at the University of Religions and Islamic Denominations in Qom, Qom, Iran.
j.lotfi@urd.ac.ir

**نقد و بررسی نظریه خاستگاه کیسانی اهل حق**ابراهیم بختیاری^۱، مهدی فرمانیان^۲، جواد لطفی^۳

چکیده: این پژوهش به بررسی نظام مند و عمیق ارتباطات اعتقادی میان فرقه کیسانیه و جریان اهل حق می پردازد. این پژوهش از حیث روش شناسی مبتنی بر تحلیل محتوای انتقادی متون اصلی و بررسی تطبیقی آراء متکلمان و فرقه شناسان اسلامی است. با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع دست اول متون کلامی، فرقه شناسی و تاریخی، این مطالعه در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که آیا ادعای تاثیرپذیری یا انشعاب اهل حق از کیسانیه از پشتوانه علمی و مستندات تاریخی برخوردار است؟ برای نیل به این هدف، پژوهش حاضر با رویکردی انتقادی به بررسی پنج محور اساسی اعتقادی شامل: ۱- نظریه حلول ذات الهی، ۲- باور به تجسد فرشتگان، ۳- آموزه تناسخ روح، ۴- اعتقاد به امامت سه گانه، و ۵- روش تأویلی در عبادات پرداخته است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که علیرغم وجود برخی مشابهت های سطحی، تفاوت های بنیادین در مبانی الهیاتی، سیر تاریخی، ساختار تشکیلاتی و نظام عبادی این دو جریان، ادعای ارتباط آنها را با چالش های جدی مواجه می سازد.

واژگان کلیدی: کیسانیه، اهل حق، حلول، تناسخ، تجسد فرشتگان، تأویل عبادات**تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۳/۱۱/۱۱**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۳/۹/۵**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۶/۱۵**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۱/۲۵

۱. دانشجوی دکتری جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران، ebrahimbakhtiaribaban@gmail.com

۲. استاد تمام دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم، قم، ایران، m.farmanian@chmail.ir

۳. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم، قم، ایران، j.lotfi@urd.ac.ir

مقدمه

فرقه کیسانیه به عنوان یکی از نخستین انشعابات تاریخ تشیع در نیمه دوم قرن اول هجری و در پی قیام مختار ثقفی شکل گرفت. این جریان که ابتدا به عنوان جنبشی سیاسی- مذهبی با شعار خون خواهی امام حسین(ع) ظهور کرد، به تدریج با محوریت اعتقاد به امامت محمد بن حنفیه و مهدویت او به فرقه ای با عقاید خاص تبدیل شد (نوبختی، ۲۷: ۱۹۳۶- اشعری قمی، ۱۳۶۳: ۶۰). کیسانیه در طول تاریخ خود به شاخه های متعددی مانند حریه، مختاریه، باقریه و رزامیه تقسیم شد که هر یک تفاسیر خاصی از امامت و مهدویت ارائه می دادند (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱۰۷- ۱۱۳).

در مقابل، اهل حق به عنوان جریانی متأخرتر، عمدتاً از قرن هفتم هجری به بعد با محوریت شخصیت هایی مانند سلطان اسحاق برزنجی ای (قرن ۷ ه.ق) شکل گرفت و به تدریج نظام اعتقادی و عبادی خاص خود را توسعه داد (رستمی، ۱۳۹۲: ۳۵). این جریان با باورهایی مانند حلول ذات الهی در انسانهای کامل، تناسخ ارواح (دونادون) بر اساس تعریف مشهور اهل حق از دونادون، تجسد فرشتگان و نظام

خاص عبادی (جمخانه، سرسپردگی) شناخته می شود (الهی، ۱۳۷۳: ۵۴، رستمی، ۱۴۰۱: ۲۴۸-۲۵۶).

مسئله اصلی این پژوهش بررسی اعتبار علمی ادعای تأثیرپذیری یا انشعاب اهل حق از کیسانیه است. برخی پژوهشگران (مانند جناب آقای دکتر منصور رستمی) با استناد به مشابهِت های اعتقادی بین این دو جریان، چنین ارتباطی را محتمل دانسته اند. این در حالی است که از حیث تاریخی فاصله زمانی حدود چهار قرن بین افول کیسانیه (قرن سوم ه.ق) و ظهور منسجم اهل حق (قرن هفتم ه.ق) به بعد وجود دارد (القاضی، ۱۹۷۴: ۲۶۰).

این مقاله با روش تحقیق کتابخانه ای و تحلیل محتوای انتقادی، به بررسی نظام مند این مسئله در پنج بخش اصلی می پردازد. روش شناسی تحقیق مبتنی بر مطالعه تطبیقی متون اصلی دو جریان، نقد سندی و محتوایی روایات، تحلیل اعتقادی، تاریخی، و بررسی آراء متکلمان اسلامی است. از جمله محدودیت های تحقیق حاضر، کمبود منابع دست اول درباره اهل حق و کیسانیه و دشواری دسترسی به برخی متون اختصاصی اهل

حق است.

تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته، و تنها اثر موجود، نظریه دکتر منصور رستمی (۱۳۹۲) است که در این مقاله مورد نقد و واکاوی قرار می گیرد. با توجه به نبودن این نظریه در تاریخ اهل حق پژوهی، هدف این مقاله، تحلیل و بررسی انتقادی آن و ارائه ارزیابی مستند برای محققان این حوزه است.

۱- حلول ذات الهی و الوهیت بشر:

بررسی مقایسه ای

۱-۱ مبانی نظریه حلول در کیسانیه

بر اساس منابع فرقه شناسی متقدم مانند فرق الشیعه نوبختی (۱۳۶۱: ۲۷) و المقالات والفرق اشعری قمی (۱۳۶۳: ۶۰)، برخی شاخه های غالی کیسانیه به حلول ذات الهی در شخصیت های خاص معتقد بودند. نوبختی به گروهی اشاره می کند که محمد بن حنفیه را ذات خداوند می دانستند و معتقد بودند حمزه امام است و هفت وسیله آسمانی به او نازل شده است. اشعری قمی (۱۳۶۳: ۶۰) نیز از گروهی نام می برد که معتقد بودند ذات خداوند به ترتیب در محمد بن حنفیه، فرزندش عبدالله و سپس عبدالله بن معاویه بن جعفر حلول کرده است.

۲-۱ نظریه حلول در اهل حق

در آیین اهل حق، مفهوم «پادشاه» به عنوان مظهر کامل حلول ذات الهی مطرح است. نورعلی الهی (۱۳۷۳: ۵۴) در تعریف این مفهوم می گوید: «در اصطلاح اهل حق، شاه یا پادشاه لقب کسی است که... به آخرین مرحله کمال رسیده، مقام اولی الامر و مظهر الهی را حائز باشد». در متون اهل حق عباراتی مانند «در ظاهر سلطانی در باطن خدایی» (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۵۴) و «ذات در جامه من مهمان است» (همان) به چشم میخورد.

در آیین اهل حق نیز حلول و تجلی خداوند شبیه آنچه در کیسانیه ادعا شده است وجود دارد، بنا به اعتقاد اهل حق خداوند متعال به دو صورت تجلی نموده است یک بار بصورت عام که با آن جهان هستی را آفرید و دیگری تجلی خاص که بر جسم افراد خاصی داخل شد.

کُونِ کِی دینِ ماواش نه کُونِ

چون ذره آفتاو همه جا تُونِ

یعنی خداوند کجاست؟ چه کسی او را دیده است و ماوای او کجاست؟ نور حضرت حق همانند ذره آفتاب در همه جا گسترده شده است (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۵۳).

هستی، به هر کجای عالم می نگرم تو ماوا
و منزل داری (همان).

بی همتا علیا علین الله
دلّوش دُلدن الله آي وَ الله

حضرت علي عليه السلام بي همتاست و
علي الله است و شاهین بلند پروازش بدون
شک دلدل است، الله اي والله (رستمی،
۱۴۰۲: ۱۵۷).

۳-۱. تفاوت‌های بنیادین:

- در کیسانیه حلول محدود به سلسله
خاصی از نوادگان امام علي (ع) است، در
حالی که در اهل حق این مفهوم عام تر و
مرتبط با سیر تکاملی انسان است.

- متون اهل حق درباره کیفیت حلول دچار
ابهام اند، گاه آن را عام (حلول در همه
عالم) و گاه خاص (حلول در افراد) می
دانند (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۸۶).

چارچوب عرفان نظری، ظهور الهی
در عالم منحصر از طریق مظاهر اسماء و
صفات حق تعالی تحقق می‌یابد، نه از
طریق ذات الهی که برای هر گونه تجلی و
تعیین است (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۰۰). با
این حال، جریان‌هایی همچون اهل حق و
برخی فرق منشعب از کیسانیه مدعی
تجلی مستقیم ذات الهی در صورت بشری
هستند (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۰۰). این
انگاره نه تنها فاقد پشتوانه‌های نظری در

تجلی خاص، اختصاص به نوع بشر
دارد یعنی بنابر اعتقاد اهل حق خداوند در
جامه و لباس انسان ظاهر شده و در او
حلول نموده است در این مرتبه از تجلی و
حلول، به انسان عناوینی چون خداوند،
پادشاه، یا شاه مهمان داده می‌شود، (الهی،
۱۳۷۳: ۵۴). در رتبه بعد از پادشاه، مرتبه
شاه مهمان قرار دارد او خود پادشاه نیست
بلکه کفالت مقام پادشاهی را برعهده دارد
(همان) کسانی که در این دو مرتبه قرار
می‌گیرند دارای اوصاف خداوندی می
شوند و در مرتبه بالاتر از انسان قرار می
گیرند و انسان‌خدایی در این مرتبه واقع
گردیده است، آنها خلق آسمان و زمین و
تدبیر امور هستی را برعهده دارند.

هَنْتَ گروهی میان او میان

کلام ماوران گوهر و نیشان

سجود ماوران خدامان سلطان

گروهی از مردم که به میدان وارد می
شوند و کلام را می‌آورند با گوهر، در حالی
که سجده می‌کنند می‌گویند که خدای ما
سلطان سهاک است (رستمی، ۱۴۰۱:
۲۵۳).

در ظاهر سلطانی در باطن خدایی
در هر نقطه نظر کنم تو داری ماوایی
یعنی ای سلطان اسحاق در ظاهر امر تو
سلطان اسحاق هستی ولی در باطن تو خدا

سنت عرفانی است، بلکه با چالش‌های معرفتی جدی مواجه می‌باشد.

تناقض‌های مفهومی در ادعای تجلی ذات مطالعه متون اهل حق و کیسانیه نشان

می‌دهد که تبیین روشنی از مفاهیم کلیدی مانند «ذات»، «مقام تجلی ذات»، یا «کیفیت بازگشت به خداوند» ارائه نشده است. برای نمونه، گاه ذات حق را به صورت فراگیر در تمام عوالم هستی متجلی می‌دانند و گاه آن را منحصر به افراد خاصی مانند سلطان اسحاق یا محمد بن حنفیه قلمداد می‌کنند (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۸۶).

این نوع دوگانگی‌های مفهومی، نه تنها ابهام‌های معرفتی را تشدید می‌کند، بلکه با اصل عدم تناقض در نظام‌های فلسفی نیز ناسازگار است. افزون بر این، ادعای تناوب تجلی ذات در اشخاص مختلف (مانند نظریه دوره‌های حلول ذات، در اهل حق) مستلزم قبول محدودیت‌های زمانی و مکانی برای ذات الهی است که با بی‌نیازی ذاتی خداوند (اصل توحید) در تعارض مستقیم قرار دارد (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۱۰) حتی اگر طرفداران این دیدگاه، ادعا کنند که تجلی ذات به صورت رمزی یا تشبیهی است، باز هم نمی‌توانند از دلالت‌های تجسمی این دیدگاه

اجتناب کنند، چرا که نفس طرح چنین ادعایی مستلزم تشبیه ذات غیبی به امور محسوس است.

۲. تجسد فرشتگان: مطالعه مقایسه‌ای

۲-۱. باور به تجسد فرشتگان در کیسانیه

شهرستانی در الملل والنحل (۱۳۶۴: ۱۷۲-۱۷۳) به روایتی اشاره می‌کند که بر اساس آن، مختار ثقفی برای یارانش کرسی‌ای را که با دیباج پوشانده بود به نمایش می‌گذاشت و ادعا می‌کرد این از ذخایر امیرالمومنین علی (کرم‌الله وجهه) است این کرسی جایگاهی مانند تابوت بنی اسرائیل دارد. وی می‌گفت هنگام جنگ، فرشتگان به شکل کبوترهای سفید نازل می‌شوند تا یارانش را نصرت دهند. این گزارش هرچند در منابع متقدم‌تر نیامده، اما نشان‌دهنده گرایش به تجسد فرشتگان در برخی شاخه‌های کیسانیه است.

با توجه به این فقره از کلام شهرستانی برخی ادعا کرده‌اند که کیسانیه معتقد بودند که فرشتگان به صورت کبوتر در آمده و به روی زمین می‌آیند. همچنین اشاره دارد بر تجسد فرشتگان الهی به صورت و شکل کبوتران سفید (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۵۲).

۲-۲. نظریه حلول فرشتگان در اهل حق

کردم (رستمی، ۱۴۰۲: ۱۶۰).

۲-۳. تفاوت‌های ماهوی:

- در کیسانیه، تجسد فرشتگان بیشتر جنبه نمادین و برای تقویت روحیه جنگجویان داشته، در حالی که در اهل حق به صورت یک نظام اعتقادی منسجم درآمده است.

- اهل حق برای هر فرشته مصداق انسانی مشخصی معرفی می‌کند، اما در کیسانیه چنین نظام منسجمی دیده نمی‌شود.

۳. تناسخ روح (دونادون): تحلیل

مقایسه‌ای

۳-۱. باور به تناسخ در کیسانیه

شهرستانی (۱۳۳۵: ۱۱۱) گزارش می‌دهد که برخی فرقه‌های منشعب از کیسانیه مانند حارثیه به تناسخ روح معتقد بودند و می‌گفتند روح انسانها پس از مرگ به بدن‌های دیگر منتقل می‌شود. رزامیه (شاخه‌ای از کیسانیه) نیز قیامت را انکار کرده و به بازگشت ارواح به دنیا معتقد بودند (شهرستانی، ۱۳۳۵: ۱۱۳).

۲-۳. نظام دونادون در اهل حق

اهل حق به «هزار و یک دون» معتقدند، یعنی روح انسان باید هزار و یک بار در بدن‌های مختلف تجربه کسب کند تا به کمال برسد سپس وارد در عالم بقاء شده و یا وصول الی الله حاصل می‌شود (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۵۰). در متون اهل حق آمده است:

در اعتقادات اهل حق، در هر دوره‌ای که خداوند بر انسان تجلی نماید همراه او فرشتگانی بعنوان مظاهر صفات الهی که با بزرگان اهل حق مرتبط می‌باشند در آنها تجسد یا حلول و یا تجلی می‌یابند (رستمی، ۱۴۰۲: ۱۵۴). و این برنامه هر از چندی تکرار می‌شود و تا به امروز این کار چند مرتبه تکرار شده است (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۴۹) این فرشتگان مقرب (جبرئیل، میکائیل، عزرائیل و اسرافیل) نقش محوری در اعتقادات ایشان دارند. بر اساس متون اهل حق (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۵۶)، این فرشتگان در بدن یاران خاص سلطان اسحاق حلول کرده‌اند:

- جبرئیل در لباس پیر بنیامین
- میکائیل در لباس پیر موسی
- عزرائیل در لباس مصطفی قهار
- اسرافیل در لباس داوود

بزرگان اهل حق نیز خود، ادعا می‌کنند که در دوره‌ای فرشته‌ای از فرشته‌های الهی بوده‌اند مانند پیر بنیامین که خود را جبرئیل و پیر موسی نیز خود را عزرائیل معرفی می‌کند.

ها جبرئیل بیم اوسا تعلیم در هم خلیل پیام شاگرد و جدور هان بدانید که جبرئیل، استاد تعلیم دهنده بودم، همچنین خلیل بودم که شاگردی می‌

۴. اعتقاد به سه امام

۴-۱. امامت سه گانه در کیسانیه

نوبختی (۱۳۶۱: ۶۲) گزارش می دهد که کیسانیه پس از امام حسین (ع)، امامت را به محمد بن حنفیه منتقل کردند و امامان پیشین را فقط حضرت علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می دانستند. همچنین باید این مطلب را نیز افزود که بعد از امام حسین علیه السلام در کیسانیه محمد بن حنفیه به عنوان امام بعدی انتخاب شده است (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۶۰). توجه به خونخواهی امام حسین علیه السلام نیز در بین نوشته های کیسانیه وجود دارد (رستمی، ۱۴۰۲: ۱۵۶).

۴-۲. جایگاه سه امام در اهل حق

در برخی متون اهل حق (رستمی، ۱۴۰۲: ۱۶۴) بر سه امام تأکید شده است. در اهل حق نیز اعتقاد به امامت سه امام (حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام) که بر اساس تجلی ذات و صفات تبیین و تفسیر شده، وجود دارد (رستمی، ۱۴۰۲: ۱۶۴) در کلام های اهل حق اسم این سه امام ذکر شده است (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۵۹).

با توجه به اینکه علاوه بر امام حسین علیه السلام امام سجاد و امام باقر علیهما

چه هزار و یک دون بُونیش نجاتی

آسودگیش بُو چي راه مماتي

گرددش چه دفتر بُوني اثباتي

ها چه گرددش و ش شاد بوشاني

يعني شما بعد از هزار و یک دون،

نجات و رهايي مي يابيد و از اين رفت و

آمدهاي روحي از بدني به بدن ديگر آسود،

کردار و اعمال شما در دفتر ياري ثبت

است و از کردار خود شاد و خوشحال مي

شوید (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۵۰).

سلطان اسحاق نیز ادعا دارد که زمانی

در جسم حضرت علي عليه السلام بوده

است و الان در دون آن حضرت مي باشد

یورتما علي

از صَحاکِنان یورتما علي

يعني من دون علي هست من سلطان

صحاكم كه يورت و دون علي است

(رستمی، ۱۴۰۱: ۲۶۰).

۳-۳. نقدهای تاریخی:

۱. عدم استمرار: اعتقاد به تناسخ در

کیسانیه محدود به برخی شاخه های فرعی

بود، در حالی که در اهل حق به عنوان یک

اصل اساسی مطرح است.

۲. تفاوت در غایت: در کیسانیه تناسخ

بیشتر معطوف به عدالت دنیوی بود، اما در

اهل حق جنبه تکاملی دارد.

(۱۴۰۱: ۳۱۰)

در رد انشعاب از کیسانیه شاید همین یک بیت کفایت نماید، چرا که صریحا از مذهبش که جعفری است نام برده است.

۲. استنادات متقدم: تأکید بر سه امام بیشتر در آثار متقدمین اهل حق دیده می شود.

(ب) تفاوت‌های بنیادین:

- کیسانیه امامت را از نسل امام حسین (ع) منحرف کردند، در حالی که اهل حق در متون اصلی خود به ائمه دوازده گانه احترام می گذارند.

- در کیسانیه امامت سه گانه یک اصل قطعی بود، اما در اهل حق بیشتر تأویلی و نمادین است.

ادعای ارتباط اهل حق با فرقه کیسانیه

با چالش های جدی روبروست برخلاف ادعای محدودیت اعتقادی به سه امام (حضرت علی، امام حسن، و امام حسین علیهم السلام)، اینگونه نیست که در کتب اهل حق فقط اسم سه امام ذکر شده باشد و اسامی سایر ائمه نیامده باشد موضوع امامت در کلام های قبل از پردیور با ذکر اسم چهار امام شیعه آمده است (رستمی، ۱۴۰۱: ۳۵۴) در بعضی از کلام ها مانند کلام خان الماس و شیخ امیر و شاه حیاس و نوروز اسم امامان دیگری مانند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

السلام نیز در کربلا حضور داشته اند ولی با این وجود اسمی از ایشان در کتب اهل حق ذکر نشده است پس می توان نتیجه گرفت که اهل حق این تفکر (اعتقاد به سه امام) را از کیسانیه گرفته باشد (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۶۰)، در کلام های اهل حق به مظهریت محمد بن حنفیه اشاره شده است پس این مطلب که اهل حق از کیسانیه گرفته شده است تقویت می شود.

هم وازنام مظهر پی قلا و دارات
اینو حنیفه بیانی نا جهاد

یعنی در این قلعه و مکان دوباره مظهر را عوض کردم، در آن جهادی که شرکت کردم، محمد بن حنفیه بودم (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۶۰).

۳-۴. نقد و ارزیابی

الف) نقد تاریخی:

۱. تناقض درونی: در متون کهن اهل حق مانند کلام شاه خوشین (قرن ۵) نام امام صادق (ع) و در کلام بابا ناووس عنوان «چهارده معصوم» ذکر شده است (رستمی، ۱۴۰۱: ۳۵۴).

خوشین بچه نا رسول من سرور

دین پاک داریم و مذهب جعفر
یعنی: بچه ای هستم که نامم خوشین
است، و رسول خدا سرور من و دین پاک
دارم و مذهب من جعفری است. (رستمی،

الشریف آمده است و یا در کلام قوشچی اوغلی، اسم اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است (رستمی، ۱۴۰۲: ۲۶۱) نعمت الله جیحون آبادی در کتاب معروف شاهنامه حقیقت به شیعه دوازده امامی بودن اهل حق اشاره دارد (جیحون آبادی، ۱۳۷۳، ۲۲۱) نورعلی الهی بر شیعه بودن اهل حق اذعان دارد (الهی، ۱۳۷۳: ۱۰) و حتی خاندان آتش بیگی خود را شیعه جعفری نامیده اند. همچنین مجید القاضی که خود از اهل حق می باشد در کتاب آیین یاری اصول عقاید اهل حق را با کمی تفاوت همانند شیعه می داند (رستمی، ۱۴۰۲: ۲۶۱).

حال این سوال مطرح می شود که اگر پیروان اولیه خود معترف به شیعه جعفری بودن هستند شما چگونه بین ایشان و کیسانیه ارتباط برقرار می کنید این مطلب بیانگر این است که ایشان اصالتاً شیعه جعفری بوده اند نه کیسانی یا فرقه ای دیگر.

با توجه به رویدادهای تاریخی مرتبط با دوران حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ختم رسالت، همچنین ذکر مظاهر ایشان و حضرت علی علیه السلام در آن دوران در مدینه، جایگاه

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام، و نیز اشاره به حوادث کربلا در آثار اهل حق و حتی وجود نام بسیاری از بزرگان اهل حق به عنوان یاران امام حسین علیه السلام در کربلا، می توان استنباط کرد که این موارد دلیلی بر اسلامی بودن و ارتباط اهل حق با تشیع است (عسگری محمدی، ۱۴۰۰: ۵۴) نه کیسانیه.

کیسانیه، گروهی بودند به امامت محمد بن حنفیه اعتقاد داشتند. در حالی که اهل حق از ابتدا به طور روشن به امامت حضرت علی علیه السلام و سپس به دوازده امام اعتقاد دارند.

۵. تأویل عبادات: مطالعه تطبیقی

۵-۱. رویکرد کیسانیه به شریعت

شهرستانی (۱۳۶۳: ۱۰۷) گزارش می دهد که برخی شاخه های کیسانیه، معتقد بودند پس از این اینکه انسان مراحل از عبادات را انجام داد بعد از مدتی به مقام رجال رسیده و دیگر نیازی به عبادت نیست و در حقیقت با این بهانه از خولندن نماز و گرفتن روزه و ادای برخی دیگر از عبادات سر باز زدند آنها قائل بودند که دین تنها طاعت است و اصرار بر این حکم باعث شد تا ایشان

مراسمات داده می شود نیاز گفته می شود (برنجکار، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

این هدیه چون با اظهار تمام عجز و ذلت به نزد بزرگ برده می شود نیاز نام گرفته است این هدیه هر هفته مخصوصاً جمعه ها بایلد به سید داده شود و این به جای (نماز) عبادت یک هفته می باشد (خواجه الدین، ۱۳۶۲: ۶۳). اهل حق عبادت فردی ندارند و نماز به جا نمی آورند اما سید محمد خواجه الدین معتقد است که اهل حق نماز وجوبی ندارند بلکه خواندن آنرا مستحب می دانند و بجای نماز نیاز می دهند و در جمخانه می نشینند و این عمل را کافی از نماز می دانند (خواجه الدین، ۱۳۶۲: ۶۱).

۳-۵. تحلیل انتقادی

الف) تفاوت های ماهوی:

۱. در کیسانیه تأویل عبادات بیشتر جنبه سیاسی داشت، در حالی که در اهل حق بخشی از نظام اعتقادی است.

۲. کیسانیه به کلی شریعت را کنار نگذاشتند، اما اهل حق نظام عبادی کاملاً جدیدی ایجاد کرده اند.

ب) نقد فقهی:

۱. تأویل عبادات بدون مستند شرعی، مخالف اجماع مسلمین است.

۲. نظام «نیاز» و «جمخانه» هیچ سابقه

رزامیه که فرقه ای از کیسانیه می باشند واجبات الهی را ترک کردند و معتقد شدند که دین همان معرفت امام و اداء امانت است هر کس که به این دو مقام رسیده دیگر به کمال نائل شده است و تکلیف از او برداشته شده است، ایشان تمام کار های حرام را بر پیروان خود حلال اعلام نمود و همچنین عبادات را نیز سلب کرد و مدعی شد که خداست و به صورت آدم و نوح و ابراهیم و پیامبران دیگر در آمده است تا اینکه به محمد رسیده و بعد از پیامبر در شکل حضرت علی علیه السلام و فرزندان ایشان در آمده است و در نهایت در شکل ابومسلم و هشام بن حکم ظاهر شده است (شهرستانی، ۱۳۶۳: ۱۱۳).

۲-۵. نظام عبادی اهل حق

اهل حق به جای نماز، «نیاز» را قرار داده اند که هدیه ای هفتگی به سران خود است (برنجکار، ۱۳۸۵: ۱۶۴). همچنین «جمخانه» به عنوان محل عبادت جمعی جایگزین مسجد شده است.

اهل حق نیز به مانند کیسانیه به تأویل بردن برخی عبادات می پردازند به طور مثال به جای نماز، نیاز را به جا می آورند (رستمی، ۱۴۰۲: ۲۶۰). به هدیه ای که توسط پیروان اهل حق به بزرگ خود (سید)، یا به جمخانه جهت مصرف در

ای در شریعت اسلامی ندارد.

ادعای تأثیرپذیری مبانی سه‌گانه اعتقادی اهل حق شامل حلول جزئی ذات الهی در حضرت علی (علیه‌السلام)، تجسد فرشتگان و نظریه دونادون از اندیشه‌های فرقه کیسانیه، فاقد پشتوانه مستند و روشمند است. اگرچه برخی محققان به شباهت‌های ظاهری بین این دو جریان اشاره کرده‌اند، اما صرف وجود مشابهت‌های مفهومی، دلیلی بر انتقال تاریخی یا تأثیرپذیری مستقیم محسوب نمی‌شود. امکان دارد هر دو جریان (اهل حق و کیسانیه) به صورت مستقل، از منبع سوم یا بستر فکری مشترکی متأثر شده باشند، بدون آن که ارتباط تاریخی مستقیمی بین آنها برقرار باشد. علاوه بر این، تکیه صرف بر تشابهات، بدون بررسی اسناد تاریخی و تحلیل تطبیقی عمیق، روشی ناقص در پژوهش‌های دین پژوهانه محسوب می‌شود.

کیسانیه به عنوان یک فرقه سیاسی-مذهبی در قرن اول هجری، در پی قیام مختار ثقفی و با محوریت محمد بن حنفیه شکل گرفت. در حالی که اهل حق، در قرن هفتم هجری توسط سلطان اسحاق رشد و نمو پیدا کرده است و عناصر غیر

اسلامی بسیاری را از ادیان پیشااسلامی و بومی منطقه کردستان در خود جای داده است.

اهل حق آموزه‌هایی را از زرتشتی‌گری، مهرپرستی، و باورهای محلی کردی وارد کرده است که در کیسانیه دیده نمی‌شود. کیسانیه صرفاً یک فرقه شیعی با گرایش‌های غالیانه بود، اما اهل حق به یک فرقه ترکیبی تبدیل شد.

کیسانیه به شریعت اسلامی پایبند بود و خود را شاخه‌ای از تشیع می‌دانست، هیچ گزارش معتبری مبنی بر رد کامل شریعت توسط کیسانیه وجود ندارد، بلکه بیشتر اختلافات آنان حول محور امامت و مهدویت بود در حالی که اهل حق از شریعت فاصله گرفته و آیین‌های ویژه خود را توسعه داده است و به تدریج از چارچوب شریعت اسلامی فاصله گرفت و نظام اعتقادی و عبادی خاص خود مانند جمخانه و سرسپاری و نظایر آن را توسعه داد. اهل حق دارای متون مقدس خاص مانند سرانجام و نظام روحانی جداگانه‌ای هستند که آن را از اسلام رسمی فاصله می‌اندازد.

موسیقی، جم‌خانه، و آیین‌های خاص مانند سرسپردگی از ویژگی‌های اهل

حق است که در کیسانیه هیچ نشانی از آنها دیده نمی‌شود.

پس اهل حق در برخی باورها مانند تناسخ روح، غلو درباره شخصیت‌های مذهبی، و اعتقاد به منجی با برخی از فرقه‌های کیسانیه شباهت‌هایی دارد. اما تفاوت‌های اساسی در زمینه تاریخی، ترکیب آموزه‌ها، و آیین‌های عملی نشان می‌دهد که اهل حق مستقیماً از کیسانیه منشعب نشده است.

نتیجه‌گیری

مطالعه منابع تاریخی و فرقه‌شناسی نشان می‌دهد که هیچ سند معتبری از ادامه فعالیت کیسانیه به صورت یک فرقه منسجم پس از قرن سوم وجود ندارد (القاضی، ۱۹۷۴: ۲۶۰). حتی در منابعی مانند ملل و نحل شهرستانی که برخی از فرقه‌های منقرض شده نیز بحث شده است، کیسانیه به عنوان جریانی تاریخی و غیرفعال معرفی شده است بنابراین، ادعای انشعاب یک جریان متأخر مانند اهل حق - که حداقل تا قرن هفتم هجری ساختار و هویت مستقل نداشته‌اند - از کیسانیه فاقد پشتوانه تاریخی است.

فاصله زمانی بسیار زیاد بین افول کیسانیه (قرن سوم) و ظهور اهل حق به عنوان یک جریان منسجم (حداقل قرن

هفتم به بعد) حداقل چهار قرن فاصله وجود دارد که هیچ سند تاریخی این شکاف را پر نمی‌کند.

علاوه بر این احتمال تأثیر پذیری غیر مستقیم به جای انشعاب مستقیم مطرح گردد که نظریه انشعاب مستقیم را از اساس ساقط کند، یعنی ممکن است برخی از اصول و عقاید برخی از فرقه‌های کیسانیه به صورت غیرمستقیم و از طریق جریان‌ات غالی شیعه یا عرفان ایرانی به اهل حق رسیده باشد، اما این به معنای ارتباط سازمان‌یافته و انشعاب مستقیم نیست. چنین تأثیراتی معمولاً در طول تاریخ ادیان رخ می‌دهد، اما برای اثبات آنها نیاز به شواهد متقن تاریخی است که در مورد کیسانیه و اهل حق وجود ندارد.

با توجه به فقدان مستندات تاریخی، فاصله زمانی زیاد، و تفاوت‌های اعتقادی، ادعای انشعاب اهل حق از کیسانیه غیرعلمی و بیشتر بر اساس حدس و گمان استوار است.

ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان نامه / رساله: این مقاله مستخرج از رساله با عنوان «تحلیل و نقد دیدگاه های مختلف درباره منشأ پیدایش اهل حق» با راهنمایی دکتر مهدی فرمانیان و مشاوره دکتر جواد لطفی می باشد.

منابع

- اشعری قمی. سعد بن عبدالله. ۱۳۶۳. المقالات و الفرق. تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
- القاضي. الوداد. ۱۹۷۴. الکیسانیه فی التاریخ و الادب. بیروت: دارالثقافه.
- الهی. نور علی. ۱۳۷۳. برهان الحق. تهران: انتشارات جیحون. چاپ هشتم.
- برنجکار. رضا. ۱۳۸۵. آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی. قم: ناشر کتاب طه. چاپ هشتم
- جیحون آبادی. نعمت الله. ۱۳۷۳. شاهنامه حقیقت. تهران: انتشارات جیحون.
- حلی. حسن بن یوسف. ۱۳۸۰. باب حادی عشر. قم: انتشارات صدر رضوانی.
- خسروشاهی. سید رضا. ۱۳۴۱. علل ظهور فرق و مذاهب اسلامی. تهران: انتشارات نقش جهان. چاپ اول.
- خواجه الدین. سید محمدعلی. ۱۳۶۲. سرسپردگان. تهران: کتابفروشی منوچهری.
- رستمی. منصور. ۱۴۰۱. شناخت آیین اهل حق. جلد یک. قم: انتشارات رسالت یعقوبی.
- رستمی. منصور. ۱۳۹۴. تبیین ظهور دوره حقیقت از نگاه کلام یارسان. تهران: انتشارات مبین اندیشه. چاپ اول.
- -----. ۱۳۹۲. درآمدی بر بازشناسی آیین یارسان (اهل حق) جلد اول. قم: موسسه فرهنگی قرآن و عترت رسالت. چاپ اول.
- سبحانی. جعفر. ۱۳۸۸. الالهیات. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- شهرستانی. محمد بن عبدالکریم. ۱۳۳۵. ترجمه ملل و نحل. ترجمه افضل الدین صدر ترکه اصفهانی. تهران: چاپخانه تابان.
- شهرستانی. محمد بن عبدالکریم. ۱۳۶۴. الملل و النحل. قم: الشریف الرضی. چاپ سوم.
- صدرالدین شیرازی. محمد بن ابراهیم. ۱۳۷۸. الحکمه المتعالیه فی اسفار اربعه. ترجمه محمد خواجهی. تهران: انتشارات مولی.
- طوسی. خواجه نصیر الدین. ۱۳۸۲. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- عبدالقاهر بغدادی. ابو منصور. ۱۳۳۳. تاریخ المذاهب الاسلام. ترجمه محمد جواد مشکور. تبریز: چاپخانه شفق
- محمدی عسکرآبادی. فاطمه. ۱۴۰۰. هستی شناسی عرفانی اهل حق. تهران: انتشارات دستان. چاپ اول.
- نوبختی. ابی محمد حسن بن موسی.

۱۹۳۶. فرق الشیعه. نجف اشرف: نشریات
مکتبه المرتضویه.

- رستمی. منصور. بهار و تابستان ۱۴۰۲.

رهیافتی بر چگونگی تحولات فکری اهل
حق (آیین یارسان) از آغاز تا عصر حاضر.
مجله الهیات تطبیقی دانشگاه اصفهان.
شماره ۲۹: صفحات ۱۶۸-۱۵۱.

- ----- پاییز و زمستان ۱۴۰۱.

ریشه یابی منشأ مبانی بنیادین آیین یارسان
در فرق اسلامی. مجله دوفصلنامه پژوهش
های ایران شناسی دانشکده ادبیات و علوم
انسانی دانشگاه تهران. دوره ۱۲. شماره ۲:
صفحات ۲۶۴-۲۴۷

- چاووشی. روح الله. ۱۳۸۶. دوندون به

روایت خاندان الهی. مجله هفت آسمان.
شماره ۳۶: صفحات ۱۵۶-۱۳۳.